

متن پرسش

به نام خدا با عرض سلام و ادب: ببخشید استاد بنده معرفت النفس را تا نکته ۴ خوانده ام و سوالاتی برایم پیش آمده که حل نمی شود و به همین دلیل توفیق پیدا نمی کنم ادامه دهم: ۱. چگونه باید بین مسائل معرفت النفس و اخلاقی تمایز قائل شویم؟ ۲. چگونه هستی بین شویم؟ (الان بنده هر چی می بینم همش با خودم میگم هستی اش کجاس؟ اصلا هستی اش چی هست چه جوری؟ هستی که حق بد همیشه پس چرا الان داره بد رفتاری میکنه) ۳. اگر درست بگویم بالاترین صفت خدا مرید، و ما باید مثل خدا شویم و تا جایی که توفیق به ما می دهند صفات خدا را در خود ایجاد کنیم، در مورد اراده چگونه باید این کار را انجام دهیم؟ (منظورم این است چگونه این صفت را در خود تقویت کنیم که مثل خدا باشد) ۴. به شخص خودم به شدت اراده ضعیفی دارم و بی برنامه هستم چه توصیه ای دارید برای تقویت این دو مورد؟ (چگونه باید برنامه ریزی کرد که قابل عمل کردن باشد) ۵. احساس می کنم در معرفت النفس دچار استدلال شده ام و به شدت فکرم درگیر هست چه کار کنم که از استدلال عبور کنم و به حضور برسم؟ ۶. به شخص خودم خیلی فکرم درگیر هست و گاهی بعد از چند دقیق می بینم از یک فکر رسیدم به خیالات و رویا پردازی. چگونه باید بین خیال پردازی و وهم و فکر تمایز قائل شویم؟ و چه کنیم خیالمان پاک شود؟ ۷. الان باید چه کار کنم که بتوانم توفیق پیدا کنم ادامه بدهم این راه را؟ (خواندن معرفت النفس و ان شا الله ادامه اش). التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هرحال به ما گفته اند: «تو پای در نه و هیچ مپرس / خود راه بگویدت که چون باید کرد».

حداقل ده نکته را تا آخر بروید بعد ببینید آیا افقی در مقابلتان گشوده نمی شود تا برای یافتن سؤال های بعدی به بحث برهان صدیقین رجوع کنید؟

رفع ضعف اراده هم در آن است که لااقل یک راه را بگیریم و تا آخر برویم. موفق باشید